



گفتگوی ایل مانیفستو با ایلان پاپه، از

«تاریخ نویسان نوین» اسرائیل

برگردان و توضیحات: محمد علی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

روزنامه‌ی معروف متمایل به «چپ» ایتالیا، ایل مانیفستو، گفتگویی کرده است با پروفیسور ایلان پاپه، از «تاریخ نویسان نوین» اسرائیل، و استاد دانشگاه‌های اسرائیل و انگلستان.

اصطلاح «تاریخ نویسان نوین» در اسرائیل، به تاریخ نویسانی اطلاق می‌شود که با زیر سؤال بردن آنچه تاریخ اسرائیل نامیده شده است، مخصوصاً چگونگی به وجود آمدن کشور اسرائیل، به بازخوانی و باز نویسی تاریخ اسرائیل پرداخته‌اند. «تاریخ نویسان نوین» گرچه با یک عنوان واحد معرفی می‌شوند، و گرچه نقاط مشترکی با هم دارند، الزاماً یک طیف همگون و متفق‌الرأی را تشکیل نمی‌دهند.

حزب کمونیست اسرائیل، در سال ۱۹۹۶ از پرفیسور ایلان پاپه به عنوان کاندیدای انتخابات کنیسه، حمایت کرد.

ایلان پاپه، همچون میشل وارشاوسکی و تعداد دیگری از نخبگان اسرائیلی، مخالف ایده‌ی صهیونیسم، طرفدار تشکیل یک دولت واحد غیر مذهبی و غیر نژادی در تمام سرزمین‌هایی که امروز اسرائیل و فلسطین نامیده می‌شوند، و خواهان بایکوت کامل دولت اسرائیل، حتی در زمینه‌های دانشگاهی و فرهنگی است. بایکوتی که در خارج از اسرائیل نیز شکل‌های یهودی مترقی‌پی همچون «یهودیان اروپایی برای یک صلح عادلانه»، و سازمان «وحدت یهودی فرانسه برای صلح»، در کنار شخصیت‌های یهودی برجسته‌ی فرهنگی، هنری، دانشگاهی و... بارها به آن، فراهوان داده‌اند. (۱)

ایلان پاپه که تا سال ۲۰۰۷ استاد دانشگاه حیفا بود، بر اثر آزارهای مستمری که در اسرائیل، چه در محیط کار، و چه در زندگی شخصی، چه بر خود او، و چه بر خانواده‌ی او رفت، ناچار شد که اسرائیل را ترک کند، و در حال حاضر، استاد دانشگاه‌های انگلستان است.

او کتاب‌های متعددی نوشته است از جمله:

- ساختن نزاع عرب و اسرائیل

- جنگ ۱۹۴۸ در فلسطین

- مسایل اسرائیل و فلسطین

- تاریخ فلسطین مدرن: یک زمین، و دو ملت (از انتشارات دانشگاه کمبریج)

- پاکسازی نژادی فلسطینیان

و کتاب های دیگر...

خانم ماری آنژ پاتریزیو، که قسمت های مهم گفتگوی ایل مانیفستو با پروفیسور ایلان پایه را به فرانسه ترجمه کرده است (و مینای ترجمه ی من هم همین ترجمه ی او منتشر شده در بخش فرانسوی سایت گلوبال ریسرچ است) توضیحی مختصر و گویا در باره ی خط و خطوط کنونی روزنامه ی «ایل مانیفستو» نوشته است که مطالعه ی خلاصه یی از این توضیح، قبل از مطالعه ی خود گفتگو، احتمالاً ضروری است.

خلاصه ی توضیح خانم ماری آنژ پاتریزیو

بعد از مرگ «استفانو چیارینی» که به مدت ۲۰ سال، در روزنامه ی ایل مانیفستو به پرونده ی خاورمیانه می پرداخت، آقای «ککو» که این مصاحبه را با ایلان پایه انجام داده است، جای او را گرفت. استفانو چیارینی، شناخت گسترده یی از امور مربوط به خاورمیانه داشت، و از کم و کیف جنبش های متعدد مقاومت در لبنان و فلسطین، بسیار آگاه بود و این جنبش ها را به خوبی می شناخت. نگاه استفانو و تحلیل او، نگاه و تحلیلی بود، به گونه یی واضح و روشن، ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی. و همین باعث می شد که استفانو در تحریریه ی روزنامه ی ایل مانیفستو، به حاشیه رانده شود.

در همین گفتگو، با دقت در شکل پرسش ها، و در «ترم» های به کار رفته در پرسش های ایل مانیفستو یی که دیگر استفانو چیارینی را از دست داده است، می توانیم خط غالب بر تحریریه ی این روزنامه را ببینیم. این خط را در ارتباط با مسائل اعراب و فلسطین، باید خط «چپ» صهیونیست نامید. اما با وجود همه ی این ها، همین که مصاحبه یی با ایلان پایه در این روزنامه منتشر می شود، نشان دهنده ی این است که هنوز زحمات و تلاش های استفانو، به طور کامل، مدفون نشده است؛ و صدا هایی هستند که نمی توان نادیده گرفتشان؛ و منزوی کردن راه و روش استفانو، روز به روز دشوار تر می شود.

ایلان پایه، در این گفتگو، بدون هیچ پرده پوشی و ابهامی، تفاوت های دیدگاهی خود را با بعضی از «تاریخ نویسان جدید»، تکرار می کند. بخشی از «البت» هایی که ایلان پایه در این گفتگو به آن ها اشاره می کند را همین ها تشکیل می دهند.

مصاحبه کننده ی ایل مانیفستو، به این موضوع اشاره نکرده است که ایلان پایه در فوریه ی ۲۰۰۷ در

حالی که استاد دانشگاه حیفا بود، سرانجام تاب نیاورد که در فضایی آنچنان خصمانه که نسبت به او و خانواده ی او، ساخته شده بود، به اقامت در اسرائیل ادامه دهد؛ و ناچار به ترک این کشور شد؛ و از آن پس، دیگر از استادان دانشگاه های انگلستان به حساب می آید.

ترجمه ی گفتگوی ایل مانیفستو با ایلان پایه

* ایل مانیفستو:

اسرائیل می گوید که به بیشتر اهداف خود از عملیات «سرب گذاخته» دست یافته است. اما می بینیم که دولت حماس همچنان کنترل غزه را به عهده دارد؛ و فلسطینی ها هم مشغول بازسازی تونل هایی هستند که «رفح» را به مصر متصل می کند. پس، اهداف تهاجم اسرائیل چه بوده است؟

* ایلان پایه:

اسرائیل می خواست که شکست خودش در جنگ دو سال پیش لبنان را، به نوعی جبران کند؛ و حماس که همراه با حزب الله لبنان، تنها اپوزیسیون نیرومند واقعی در برابر اسرائیل است را، به لحاظ نظامی، شکست دهد.

اسرائیلی ها می خواهند که به صورت غیر مستقیم غزه را اداره کنند (۲) اما نمی دانند که با ساکنان غزه چه کنند.

فلسطینیان، مقاومت می کنند، و از همین رو، اسرائیل، هر روز بیشتر از روز پیش، به صورتی شدید تر و عنیف تر، اقدام به تنبیه دسته جمعی ملت فلسطین می کند. (۳)

سه هفته قتل عام و قصابی کردن مردم غزه، به خوبی، این سیاست اسرائیل را به جهانیان نشان داد.

* ایل مانیفستو:

نود و شش درصد از یهودیان اسرائیل، از این عملیات، پشتیبانی کردند. چنین گرایش و چنین رفتاری را شما چگونه توضیح می دهید؟

* ایلان پایه:

ما داریم از همان جامعه یی حرف می زنیم که در سال ۱۹۴۸ و در سال ۱۹۶۷ فلسطینی ها را از سرزمین هایشان بیرون کرده است.

بعد از ۶۰ سال آموزه های سرشار از تعصب، غیر انسانی و انمود کردن فلسطینیان، و چهره ی اهریمنی از مردم فلسطین ترسیم کردن، دیگر، هزار نفر از این مردم را فقط طی سه هفته به قتل رسانیدن، مسأله ی مهمی ایجاد نمی کند.

وسایل ارتباط جمعی، و فرهنگ سیاسی، جامعه ی اسرائیل را آماده کرده اند تا چنین قتل عام و قصابی

پی را «دفاع از خود» بدانند.

تا زمانی که جامعه ی اسرائیل، شروع نکند به این که خودش را از شر ایده یولوژی صهیونیسم، رها سازد، در اسرائیل، هیچ مخالفت جدی پی با عملیاتی نظیر «سرب گذاخته»، وجود نخواهد داشت.

*** ایل مانیفستو:**

با این وجود، سخن از «جنایت جنگی» در میان است؛ و حتی گروه هایی از یهودیان داخل اسرائیل نیز خواهان بایکوت دولت اسرائیل به خاطر رفتارش با فلسطینیان هستند. آیا فکر نمی کنید که یکی از نتایج این تراژدی پی که اسرائیل آفریده است، منزوی شدن دولت اسرائیل خواهد بود؟

*** ایلان پایه:**

آرزو دارم که چنین شود. اما گمان نمی کنم که اسرائیل دست از اینگونه رفتار های خود بردارد. مثلاً دادگاه بین المللی عدالت، برپاسازی دیوار آپارتاید (۴) را محکوم کرد. اما این محکوم کردن، حتی به اندازه ی یک انگشت هم اسرائیل را در سیاست دیوارسازیش به عقب نراند. با این همه، شاید فراشدی از این نوع که از آن سخن گفتید در کار باشد. من دلم می خواهد که اینطور آرزو کنم.

*** ایل مانیفستو:**

شما طرفدار بایکوت اسرائیل هستید. حتی بایکوت دانشگاهی و فرهنگی. بر چه مبنایی فکر می کنید که چنین بایکوتی بتواند روند صلح را تقویت کند؟

*** ایلان پایه:**

اگر ایده ی بایکوت بتواند موفقیت هایی کسب کند، قشر «الیت» فرهنگی و روشنفکری جامعه ی اسرائیل احساس خواهد کرد که موجودیتی مردود و غیر قابل قبول است. چرا که با بی تفاوتی خود، همدست دولت شده است. و اینچنین است که این قشر، ناچار خواهد شد که دست به تحرکی بزند. او نمی تواند بدون آن که جزئی از جامعه ی غرب به حساب بیاید به حیات خود ادامه دهد. بایکوت، به تنهایی، کافی نیست. برای یک تغییر واقعی، سیاستی عمومی لازم است تا اسرائیل را به سمت چنین تغییری براند.

ولی به هر حال، این می تواند یک آغاز خوب، تلقی شود. روشنفکران، نقشی محوری در تبلیغ و ترویج و ترسیم چهره پی مشروع و قابل قبول از اسرائیل در جنگ و تجاوز علیه فلسطینیان، به نزد غربیان دارند.

*** ایل مانیفستو:**

از «نکت» در ۱۹۴۹ - ۱۹۴۸ [«نکت»، اصطلاحی است که فلسطینیان برای واقعه ی تشکیل دولتی بر ویرانه های سرزمینی که به وسیله ی اسراییل از آن رانده شدند و در آن قتل عام شدند و تکه تکه شدند و زنده زنده در آتش سوختند، به کار می برند - م] تا عملیات «سرب گذاخته» در ۶۰ سال بعد؛ اینطور به نظر می رسد که جنبش مبتنی بر ملی گرایی، در فلسطین، مرده است.

* ایلان پایه:

نمرده است. بلکه دچار بحرانی عمیق شده است. هم در حفظ وحدت؛ و هم در استراتژی. این جنبش، هیچ وقت در شرایط خوبی قرار نداشته است. اما من فکر می کنم که پتانسیل این را دارد که به رهبری بهتر و به استراتژی بهتر برسد. (۵)

یک قسمت بسیار بزرگ مسئولیت آنچه بر سر این جنبش آمده است به گردن جهان غرب است. این مشکل، هرگز به وسیله ی فلسطینی ها ساخته نشده است. این مشکل را اروپا آفریده است. اما این که فلسطینی ها شایسته ی رهبری بهتری هستند، ما را - در اینجا، در اروپا - از این وظیفه مان که از آن ها حمایت کنیم معاف نمی سازد.

* ایل مانیفستو:

شما در تازه ترین کتاب خودتان نوشته اید که از دهه ی ۳۰ در قرن بیستم تا به حال، صهیونیسم در حال پروراندن و گسترش طرحی به منظور پاکسازی نژادی فلسطینیان است (۶) اما به نظر می رسد که امروز اسراییل نمی تواند چنین کاری را انجام دهد؛ و دو ملت فلسطینی و اسراییلی باید با هم زندگی کنند.

* ایلان پایه:

همین چند سال پیش، ظاهراً غیر ممکن به نظر می رسید که اسراییل، فقط طی چند روز، چهارصد کودک فلسطینی را به قتل برساند. اما می بینیم که چنین کرد، بدون آن که جهان، حتی انگشت کوچک خود را بجنباند. و این یعنی که: اسراییل می تواند - مثلاً - هزاران فلسطینی را اخراج کند، و در ایتالیا یا انگلستان، دولت ها هیچ مخالفتی با این کار او نشان ندهند. من فکر می کنم که اسراییل شیوه پی به جز شیوه ی ۱۹۴۸ را به کار می برد؛ از غزه، و نیمی از کرانه ی رود اردن، یک زندان ساختن. و از نتایج چنین زندان ساختنی، این نیز می تواند باشد که تعداد زیادی از فلسطینیان، سرزمین خود را ترک کنند. و اسراییل اگر احساس نیاز کند، باز هم از نو، عملیات پاکسازی نژادی، و عملیات جدید ژنوسید و نسل کشی، و یا اشغال تمام سرزمین های فلسطینی ها را هم انجام خواهد داد.

این ها، فقط ابزار کارند. آنچه مهم است ابزار کار نیست؛ بلکه خود کار است. آنچه مهم است این است که استراتژی اسرائیل [محو ملت فلسطین از عالم وجود - م] عوض نشده است. اگر بخواهیم از عکس العمل جهانی حرف بزنیم، باید توجه داشته باشیم که اسرائیل می داند که محدودیت های جهانی او بسیار اندک و ناچیز است، و او هرکاری که دلش بخواهد می تواند انجام دهد. از جمله، پاکسازی نژادی.

*** ایل مانیفستو:**

بنا بر این، شما معتقدید که استراتژی اسرائیل، نه استقرار یک رژیم آپارتاید، بلکه فراتر از آن، یعنی پاکسازی نژادی فلسطینیان است؟

*** ایلان پایه:**

در اینجا دو عنصر در کارند که نمی توان آن ها را از همدیگر جدا دانست. مثلاً رژیم آفریقای جنوبی یک رژیم تبعیض گرای نژادی بود. در آن مورد، آپارتاید، ایجاد دو نوع «فضای زندگی» بود برای یک مردم. ولی شما می توانید به گونه یی دیگر نیز عمل کنید: جداسازی، آواره کردن، و قتل عام یک ملت. و این هر دو، جزئی از یک ایده نولوژی واحد هستند.

جمعه ۱۷ بهمن ۱۳۸۷

۶ فوریه ی ۲۰۰۹

عنوان و لینک ترجمه ی مقاله به زبان فرانسه:

Israël emprisonne Gaza pour faire fuir les Palestiniens

www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=12146

تاریخ انتشار مصاحبه در ایل مانیفستو: ۲۷ ژانویه ی ۲۰۰۹

۱ - «... این بایکوت، راهی است برای تفهیم این موضوع به جهان و به اسرائیل که: جنایات جنگی، قتل های نشانه گیری شده و از پیش برنامه ریزی شده و هدفدار، به بند و حصار کشیدن یک ملت، سرقت خاک، سرقت آب، سرقت حقوق گمرکی، و محروم ساختن مردم سرزمین اشغال شده، از ابتدایی ترین حقوق خود، نباید بی مجازات بماند...»

«یهودیان آزاد، به همراه سندیکا ها، جهان را به تحریم کامل اسرائیل فرا می خوانند»، به ترجمه ی

همین قلم:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/boycott.html>

طبعاً مقایسه کردن خواست تحریم مردم ایران (به بهانه ی تحریم حکومت ایران) - که خواست دشمنان سوگند خورده ی ملت ما، و کمر بستگان به خدمت آنان است - با خواست تحریم دولت اسرائیل، به همان اندازه «عقلانی» است که مقایسه کردن موقعیت بین المللی و منطقه پی، و بافت و ساخت اقتصادی ایران با اسرائیل؛ و به همان اندازه «شرافتمندانه» است که گناه جنایت تجاوز آمریکا و اسرائیل به لبنان و فلسطین و تمامی خاورمیانه را به گردن مبارزان لبنانی و فلسطینی و خاورمیانه پی انداختن...

۲ - برای آگاهی از کم و کیف تلاش ناکام اسرائیل و آمریکا برای تحت کنترل غیر مستقیم گرفتن غزه از طریق یک کودتای کورتاژ شده، می توانید از جمله مراجعه کنید به سه مقاله ی زیر به ترجمه ی این قلم، از جان پیلجر، رابرت فیسک، و میشل وارشاوسکی:

جان پیلجر: هولوکاستی که انکار می شود؛ و سکوت آنان که حقیقت را می دانند

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/pilger-sokoot.html>

رابرت فیسک: به فلسطین، خوش آمدید!

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/welcome.html>

میشل وارشاوسکی: در فلسطین، چه کسی علیه چه کسی کودتا کرد؟

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>

و نیز به مقاله ی «غزه، و هفت پرسش و پاسخ در باب راست و دروغ مدعیان»، به همین قلم، که در آن به این موضوع، و به دلایل رشد گرایش به بنیادگرایی در خاورمیانه، و ضرورت و چگونگی مقابله ی منطقی و انسانی و شرافتمندانه و دموکراتیک با آن نیز - در کنار مسایل دیگر - اشاره رفته است:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/haft-porsesh.html>

۳ - دولت اسرائیل، دولتی است که بر پایه های تئوریک برتری نژاد و قوم یهود، و بر بنیادگرایی مبتنی بر «آموزه های مذهبی» پی که به وسیله ی ملایان انتگریست «یهودی» طی اعصار اسارت، تدوین شده است، شکل گرفته است. و از همین رو هیچ جای تعجبی نیست که می بینیم که معتقد به تنبیه دسته جمعی (بازمانده ی تفکرات عصر قبیله پی) است.

خراب کردن خانه پی که یکی از افراد آن، جزء «تروریست» ها بوده است، بعد از قتل و با دستگیری او، ساده ترین و به چشم آمدنی ترین نمونه ی این نوع تئوری و پراتیک است؛ و همگان از دهه ها پیش، شاهد آنند؛ و خود دولت اسرائیل نیز رسماً و با افتخار، از آن سخن می گوید.

حملات بی امان به شهر ها و شهرک ها و محلات «تروریست پرور» را هم که بار ها و بار ها شاهد بوده ایم. و در مورد غزه: چندین کشتار پراکنده و دو کشتار دسته جمعی در این «اردوگاه مرگ» اسرائیل. اردوگاه مرگی که دوستانقپانانش ساکنان آن را بیش از یک سال و نیم است که حتی از ابتدایی ترین نیاز های روزمره ی زندگی مثل غذا و آب آشامیدنی و دارو محروم کرده اند تا در فاصله های میان قصابی

های ادواری به وسیله ی پیشرفته ترین سلاح های متعارف و غیر متعارف، ضعیف تر هاشان را، و کودکان و سالخوردگانشان را، و جنین های درون شکم مادران را، از سوء تغذیه، و یا از بیماری هایی حتی در حد یک تب، به قتل برسانند...

«استریپ تیز مکتب «انسان دوستان» در تهاجم اسرائیل به غزه»:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/gaza-ensan.html>

۴ - دیوار آپارتاید، دیوار معروفی است که اسرائیل، به طور غیر قانونی، اما بدون هراس از «جامعه ی جهانی»، و حتی با کمک فتی تعدادی از اعضای اروپایی این جامعه، آن را در کرانه ی باختری رود اردن، به منظور هرچه بیشتر خفه کردن مردم فلسطین بنا کرده است و می کند. این دیوار که تقریباً ۷۰۰ کیلومتر از سرزمین های اشغالی رسمی را از سرزمین های اشغالی غیر رسمی، جدا می کند، به «دیوار ننگ» نیز معروف شده است.

۵ - بر خلاف آرزوی نقش بر آب شده ی اسرائیل، حمله به غزه، باعث نزدیکی هرچه بیشتر جریان های مبارز فلسطینی، از سکولار تا مذهبی، و از کمونیست تا ملی گرا، و جدا کردن هرچه بیشتر توده های جنبش فتح، از بخشی از رهبری فاسد آن که در «محمود عباس» سمبلیزه می شود، شده است. و این نزدیکی حتی بعد از آتش بس جنگ اخیر نیز همچنان ادامه دارد؛ و در این روز ها سخن از تشکیل یک جبهه ی سراسری واحد، متشکل از تمامی نیرو های مقاومت فلسطین در میان است. جبهه یی که در صورت تشکیل، خواهد توانست به همه ی این نیرو ها - از جمله حماس - به دوری تدریجی از «دگم» هایشان کمک کند.

اظهارات سخنگوی «جبهه ی خلق برای رهایی فلسطین» (سازمان جرح حبش فقید) در گفتگویی به هنگام تجاوز اخیر اسرائیل به غزه (قتل عامی جدید، در فاصله ی کمتر از یک سال از قتل عام قبلی در مارس ۲۰۰۸) پیشاپیش تا حدودی چشم انداز افق تازه را روشن می کند:

«اسرائیل، جنایت و کشتار علیه خلق ما را براساس اهداف تاریخی خود آغاز کرد... هدف این اقدام، جداکردن جنبش مقاومت از مردم، و نابودی آن، و تلاش برای دفن کردن آرمان فلسطین و حقوق خلق ما می باشد. نقشه اسرائیل علیه خلق ما و حقوق ما، و نابودی جنبش مقاومت فلسطین، تنها با تائید آمریکا، رژیم های مختلف عربی، و بخشی از «رهبری فلسطین» می تواند اجرا گردد...»

«... ما و حماس، هردو به اردوی مقاومت تعلق داریم. اردوی مقاومتی که از خلق ما، موضوع ما و حقوق بنیانی ما دفاع می کند... ما هردو نیرو به طور متحد علیه کشتار و قتل عام خلق فلسطین، بیکارمی کنیم. آنچه اکنون جاریست، ما را متحد می کند. اتحاد درنبرد برای خلق ما، برای موضوع ما و برای حقوق ما...»

«... تعریف اتحاد ملی چنین است: نبرد علیه قوای اشغالگر، و علیه تجاوزش به خلق ما، دفاع از خلق ما و حقوقش. اکنون «حکومت خودگردان فلسطین» فاقد مشروعیت است. مشروعیت از طریق متکی به

اصول محکم مقاومت مردمی علیه جنایت قوای متجاوز، به دست می آید...

«... ما یک ملتیم، یک خلقیم. تمام نقشه های دشمنان برای دفن کردن اتحادمان با شکست مواجه خواهد شد. ما پیرویمان را تأمین، و اتحاد درون خلقمان را برای کشورمان با فاطمیت و مقاومت برای کسب حقوق ملی، حق برگشت به میهن، حق تعیین سرنوشت، برای آزادی، رهائی ملی، و استقلال تضمین خواهیم کرد...»

متن کامل این گفتگو را که به وسیله ی حزب کار ایران (توفان) ترجمه شده است، می توانید - از جمله - در لینک زیر هم بخوانید:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/gaza-pfl.html>

در مورد کشتار های ماه مارس ۲۰۰۸ (کمتر از یک سال پیش) اسرائیل در غزه:

خبرگزاری رویتر در ۲۹ فوریه ۲۰۰۸ طی گزارشی که به سراسر جهان مخابره کرد اطلاع داد که یک مقام عالیرتبه ی دفاع اسرائیل، به صراحت و روشنی، و وقاحتی که تنها از دولت رسماً نژادپرست و بنیادگرای اسرائیل بر می آید و بس، گفته است که فلسطینی ها باید خود را برای یک هولوکاست، آماده کنند. و فردای همان روز، یعنی در اول ماه مارس، اسرائیل فقط در طی چند ساعت، در غزه، حداقل شصت فلسطینی عادی، از دختر بچه ی شیرخواره ی یک ساله تا زن و مرد و پیر و جوان و خرد و کلان ماه ها گرسنگی کشیده و بیمار و نکیده و نزار را بدون آن که هیچ سلاحی و یا قصد حمله پی و یا حتی قصد دفاعی داشته باشند، به عنوان پیش درآمد، به عنوان پیش قسط، و به عنوان دستگرمی نظامیان خود به قتل رسانید؛ و بعد، هولوکاست موعود را به اجرا در آورد:

«دیگر بس است کشتار مردم غزه! هیچ نکردن، یعنی شریک جرم بودن!» اطلاعیه ی یکشنبه، اول مارس ۲۰۰۸ سازمان وحدت یهودی فرانسه برای صلح:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/ujfp020308.html>

و پیش از آن و پس از آن نیز، تقریباً شبی و روزی بر مردم گرسنه ی غزه نمی گذشت و نگذشت که چند تن از ساکنان این باریکه ی تقریباً ۲۵ در ۱۰ کیلومتری با یک و نیم میلیون انسان تل انبار شده بر یکدیگر را دولت اسرائیل بدون کوچکترین دغدغه ی خاطری، در برابر چشمان خانواده هاشان به قتل رسانده باشد، و تکه پاره نکرده باشد.

«حق زندگی کردن آزاد، و حق سلامت مردم غزه، در زیر سیطره ی دیکتاتوری اسرائیل قرار گرفته است؛ و این، دولت اسرائیل است که تصمیم می گیرد چه چیزی می تواند یا نمی تواند وارد سرزمین این مردم شود یا نشود.

«علاوه بر این تجاوز به پایه پی ترین حقوق شناخته شده ی این مردم، دولت اسرائیل، به تهاجم و تاخت و تاز خود در نوار غزه ادامه می دهد. تهاجم و تاخت و تازی که طی آن تا کنون تعداد بی شماری از شهروندان عادی فلسطینی کشته شده اند. دولت اسرائیل، همچنین علیرغم دیدار آنابولیس، سیاست

«حملات هدف گیری شده» [شامل قتل مردم عادی و نیروهای مقاومت فلسطین] را ادامه می دهد...
«اسرائیل در حال برنامه ریزی یک عملیات نظامی وسیع و فراگیر در سرتاسر همه ی نوار غزه است؛ و این کار خود را با اطلاق اصطلاح «موجودیت متخاصم» به نوار غزه توجیه می کند. اصطلاحی ردیبلانه که هدفش خارج کردن تمام این سرزمین و تمام ساکنان آن از جغرافیای انسانی، و از فرهنگ و آژگان جامعه شناسی و سیاست جهانی است...»

ما، مردم فرانسه را به مقابله با خفه کردن مردم غزه فرا می خوانیم! - اطلاعیه ی «سازمان وحدت یهودی فرانسه برای صلح» به تاریخ ۱۵ ژانویه ی سال گذشته، و کمی مانده به قتل عامی که به آن اشاره شد:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/ujf-gaza-150108.html>

۶ - طرحی به نام طرح داگان، در حال اجراست که کشتار اخیر مردم فلسطین، در «اردوگاه مرگ» اسراییل، در فاصله ی کمتر از یک سال از کشتار پیشین همین مردم در همین اردوگاه (مارس ۲۰۰۸) نیز جزیی از آن است:

«در پس این بازی هرزه و پست، چیز دیگری نهفته است. چیزی به نام طرح داگان که نام خود را از ژنرال اسراییلی، مایر داگان گرفته است. مایر داگان، تحت امر شارون، در اشغال خونین لبنان در سال ۱۹۸۲ شرکت داشت، و در حال حاضر هم در رأس موساد قرار دارد.
و این داگان، علاوه بر این طرح، طراح یک «راه حل» به مرحله ی اجرا درآمده هم هست:
زندانی کردن فلسطینیان، در پشت دیوار های یک «گتو» که ماریپج وار، از کرانه ی رود اردن، وارد غزه شده است، و از غزه، یک «اردوگاه مرگ» ساخته است...»

«... در طرح در حال اجرای داگان، پیش بینی و زمینه سازی شده است که سرانجام، وقتی که این شرارت اهریمنی در غزه به نتیجه ی مطلوب رسید، و مردمان غزه، بیشتر از پیش، محنت زده و درهم کوبیده شدند، آنچه شارون آن را «راه حل، بر مبنای الگوی ۱۹۴۸» نامیده است، به مرحله ی اجرا گذاشته شود. یعنی نابود کردن همه ی قدرت ها ی فلسطینی، و همه ی رهبران فلسطینی. و در پی آن: اخراج وسیع فلسطینیان به سمت اردوگاه های هرچه کوچکتر و کوچکتر. و نهایتاً شاید به اردن...»
جان پیلجر: هولوکاستی که انکار می شود؛ و سکوت آنان که حقیقت را می دانند

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/pilger-sokoot.html>